

زنانگی

زیگموند فروید

سعیده امینی کاشانی

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

سرشناسه	فروید، زیگموند، ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م. Freud, Sigmund
عنوان و نام پدیدآور	رساله و شرح زنانگی زیگموند فروید / [ویراستاران اتیسیا گلاسرفیورینی، گراسیلا آبلین ساس رز]؛ مترجم سعیده امینی کاشانی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۸۴ ص.
شابک	۳ - ۲۰۰ - ۲۶۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: "On Freud's 'femininity'".
موضوع	فروید، زیگموند، ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م.
موضوع	Freud, Sigmund
موضوع	زنانگی Femininity روانکاوی و فمینیسم Psychoanalysis and feminism
شناسه افزوده	فیورینی، لتیسیا گلوسر، ویراستار
شناسه افزوده	Fiorini, Leticia Glocer
شناسه افزوده	ایبلین - ساس رز، گراسیلا، ویراستار
شناسه افزوده	Abelin-Sas Rose, Graciela
شناسه افزوده	امینی کاشانی، سعیده، ۱۳۷۱-، مترجم
رده بندی کنگره	BF۱۷۵/۵
رده بندی دیویی	۱۵۵/۳۳۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۱۴۷۴۴

زنانگی

زیگموند فروید

سعیده امینی کاشانی

چاپ اول: اردیبهشت ۱۴۰۱ - شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ: گیلان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۰۰-۳



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تماس: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

negahpub1@gmail.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست

پیشگفتار.....	۷
بخش نخست.....	۱۵
سخنرانی شماره ۳۲: «زنانگی».....	۱۶
بخش دوم: بحث درباره «زنانگی».....	۴۷
زنانگی و عقده ادیب.....	۴۸
دیدگاه‌های معاصر بر زنانگی، جنسیت و هویت زایا.....	۷۶
فرانزویه‌های روانکاو درباره تفاوت جنسی و امر زنانه.....	۱۰۵
فرازونشیب‌های بعد زنانه در مردان و دوجنسی بودگی در موقعیت تحلیلی.....	۱۳۰
محدودیت‌های فرضیه دوجنسی بودگی ۱۹۳۳ فروید در شرح موانع خلاقیت در یک زن.....	۱۴۹
معمای انکار زنانگی: بدن‌امی بعد زنانه.....	۱۷۳
آیا زنان هنوز در معرض خطر سوء تعبیر شدن اند؟.....	۱۹۳
خودآیینی و زنانگی.....	۲۱۵
نظریه‌های ضمنی روانکاو درباره جنسیت.....	۲۳۸
زنانگی و بُعد انسانی.....	۲۶۷

پیشگفتار

لتیسیا گلاسرفیورینی و گراسیلا آبلین - ساس رز

ما در کتاب حاضر گروهی از نویسندگان روان‌کاوی معاصر را که در گرو مطالعات حوزه زنان و امر زنانه داشته‌اند، با هدف نمایاندن همگامی‌ها و ناهمگامی‌ها درباره اظهارات فروید، گرد هم آورده‌ایم.

گفتمان زنان از زمان فروید بسیار تغییر کرده است. این امر مصادف با تغییرات عمیقی است که زنان و جایگاه زنانه دست‌کم در بیشتر جهان غرب تجربه کرده‌اند. پرواضح است که روش‌های پیشگیری از بارداری، روش‌های کمک‌باروری، پیشرفت در حقوق زنان، قابلیت‌های والایشی پیوسته آشکارتر و بازنمایی موفقیت حرفه‌ای بی‌شک به تغییر باورها درباره ماهیت ابدی و دگرگون‌نشدنی زنانه انجامیده است. ما برآنیم که شیوه‌های اثر گذاشتن یا نگذاشتن این تغییرات بر مباحثات روان‌کاوانه درباره امر زنانه را روشن سازیم. این امر مستلزم از سرگرفتن این پرسش است که «زنانه» به چه معناست و آیا هرگونه حقیقت درون‌زاد در رابطه با امر زنانه صادق است یا خیر.

برای شروع، «زنانگی» (۱۹۳۳)، سخنرانی سی‌وسوم در سخنرانی‌های مقدماتی درباره روان‌کاوی (۱۹۳۳ الف) را برگزیدیم؛ مقاله‌ای که فروید در آن

به تأمل و نیز بسط ایده‌هایی می‌پردازد که در متون پیشین مطرح شده و تصورات او دربارهٔ زنانگی را بیان می‌کند.

گرچه او برخی مسائل را پایان‌نیافته برجا می‌گذارد، اما به نتیجه‌هایی هم می‌رسد که ما باید با پرسش‌های تازه در آنها بازنگری کنیم.

دربارهٔ اظهارات فروید در باب رشد روانی جنسی دختران و امرزانه به‌طور عام مباحثات زیادی درگرفته است. گرچه این موضوع شاید یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در آثار فروید باشد، اما بحث‌ها و جدل‌ها به جای درآمیختن در یک طرح نظری بنیادین همواره جناح‌بندی شده‌اند. در نتیجه این آثار عموماً به ملحقات نظریهٔ اصلی منتسب می‌شوند که فاقد تعامل واقعی با هسته‌های نظری مورد اشاره‌شان هستند.

هیچ متن یگانه‌ای نمی‌تواند دربرگیرندهٔ حجم عظیم آثار پسا فرویدی و روان‌کاوی معاصر در این زمینه و تیراندازی از نظریهٔ جنسیت و انواع مختلف فمینیسم باشد (این کتاب‌شناسی جامع مفصلاً در آثار گوناگون کتاب حاضر بیان شده است). به اینها می‌توان متون پدیدآمده در مطالعات اجتماعی را افزود که نیاز به کار چندرشته‌ای دارند.

با این حال، هدف مجلد حاضر آشکار کردن پراهمیت‌ترین مباحثی است که خوانش متون فرویدی به آنها دامن زده.

نخست: مباحثهٔ عمده دربارهٔ بدیهی شمردن مردانگی اولیه در دخترها نزد فروید که به خاطر آن، دخترها تنها طی سیر بفرنجی می‌توانند به زنانگی دست یابند که رشک قضیب آن را هدایت می‌کند. این موضوع مباحثات تند و تیزی بر سر زنانگی اولیه در برابر زنانگی ثانویه و بنابراین بر سر اینکه آیا رشک قضیب اولیه است یا ثانویه ایجاد کرده. در حال حاضر هیچ‌گونه اجماع و اتفاق نظری دربارهٔ این نکات در حوزهٔ روان‌کاوی حاصل نشده است. افزون بر این، پرسش‌های دیگری هم مطرح شده: آیا رشک قضیب مفهومی

است که بتوان آن را به طور عام دربارهٔ رشد روانی جنسی زنان به کار برد؟ نسبت این مفهوم با روایت‌ها و اسطوره‌ها دربارهٔ روابط مردانه و زنانه چگونه است؟ و نیز با توجه به اینکه دیگر طرح‌های نظری بدیل دیگری برای گزینهٔ یگانه‌انگاری فالوسی در برابر زنانگی اولیه ارائه می‌دهند و آن هم مفهوم دوجنسی بودگی^۱ روانی اولیه است، چگونه می‌توان این مفهوم را با انگاشت دوجنسی بودگی سازگار کرد؟

دوم: چگونه این حکم معروف که «آناتومی سرنوشت است» را تفسیر می‌کنیم؟ چگونه می‌توانیم حضور پررنگ ترامیزیستی و بدن در زنان (مثلاً در دوران قاعدگی، بارداری و یائسگی) را دسته‌بندی کنیم؟ باور ما دربارهٔ نقش تعیین‌بخشی‌های ژنتیک، هورمونی و ریخت‌شناختی در شکل‌گیری زنانگی چیست؟ و نیز چگونه می‌توانیم واقعیتی که نویسندگان گوناگون تماماً بر سر آن بحث کرده‌اند (یعنی این واقعیت را در نظر داشته باشیم که آناتومی نیز تفسیر شده است و در این معنا گفتمان‌ها و هنجارهای فرهنگی اثرگذاری ناگزیری دارند؟ اگرچه فروید به محدودیت‌های اجتماعی اثرگذار بر رشد روانی جنسی زنان اشاره کرد، اما هیچ‌گاه تبیین خود از این ایده‌ها را به پایان نرساند. همین به نوبهٔ خود ما را به سوی مجموعه‌ای از مباحثات دیگر بر سر رابطهٔ طبیعت و فرهنگ می‌کشاند. بر این باوریم که اگر بخواهیم از سوگیری نسبت به یکی از اصطلاحات این دوگانه اجتناب کنیم و نه در حمایت از زیستی‌نگری محض برآییم و نه از فرهنگ‌نگری محض، باید مفهوم زنجیره‌های مکمل را در این مباحثه وارد کنیم. تنها در برخوردگاه این دو متغیر است که می‌توانیم دربارهٔ فصول مشترک گفتمان و هنجارهای اجتماعی با حوزهٔ رانه کار کنیم.

سوم و مهم‌تر از همه آنکه: آیا مادرانگی چنان که فروید شرح داده، هدف

نخستین^۱ زنانگی است؟ در این صورت، برای سکسوالیتهٔ زنانه جدای از مادرانگی چه جایگاهی قائلیم؟ این موضوع مسئلهٔ میزان همخوانی مادرانگی با زندگی رانه‌ای را نیز به میان می‌کشد.

سرانجام، چرا از نظر فروید دست یافتن به زنانگی باید تا این حد دشوار باشد؟ آیا دختران جز عقده‌های ادیپ و اختگی انتخاب‌های دیگری دارند؟ و نیز شمار بسیاری از روان‌کاوان با ایده‌های فروید مبنی بر اینکه سوپرایگوی زنانه ضعیف‌تر از سوپرایگوی مردانه است، بدین معنا که قابلیت‌های زنان برای والایش سست‌تر است و خودمختاری و قابلیت آنها برای برنامه‌ریزی ناچیز است، مخالفت کرده‌اند.

ما در این پیشگفتار بی‌تردید بسیاری از موضوعات جدلی را کنار نهاده‌ایم که در فصول مختلف این کتاب مورد بحث قرار خواهند گرفت. با این حال، برآنیم تا با اشاره به روابط میان نظریه‌های جنسیت و روان‌کاوی، هم صورت‌بندی‌ها و هم مخالفت‌ها، موضوع دیگری را یادآور شویم. نویسندگان متعددی بر سر این روابط به گفت‌وگو نشسته‌اند که به درک ما از تعیین بخشی‌های بغرنج هویت جنس یافته^۲ یاری رسانده است. این مسئله که آیا نظریه‌های جنسیت بخشی از حوزهٔ روان‌کاوی هستند و آیا جنسیت به سکسوالیته اولویت دارد موضوعاتی‌اند که در این کتاب به بحث گذاشته شده‌اند.

به این موارد می‌توان مسائل دیگری افزود که ما را به تأمل در باب مفهوم زنانگی فرامی‌خواند؛ مثل مسائل مربوط به تأهل، مجرد یا فرزندآوری.

صورت‌های جدیدی از سازمان خانواده در چارچوب چندگانگی فرهنگی^۳ و جهانی شدن به چشم می‌خورند. در بعضی بخش‌ها زوال

1. princeps

2. sexuated

3. multiculturalism

بزرگ خانواده^۱ موجب وحشت از «زنانه شدن» در فرهنگ می شود. صورت های جدید سوژگی شناخته شده اند. همه این تحولات جایگاه سنتی زنان را به پرسش می کشد. به بیان دیگر، باید از خود پرسیم که چگونه می توان این تجربیات را در نظریه گنجانند. آیا نظریه به قدر کافی دربرگیرنده است؟ در این راستا بررسی روابط پیچیده میان نظریه و تجربه اهمیت دارد.

موضوع دیگری که مجادلات تندی را متوجه خود می کند مازوخیسم زنانه است. گرچه فروید عمدتاً به شرح آن در مردان پرداخته، اما این اصطلاح به خودی خود به چیزی اشاره دارد که گویی در زنان ذاتی است. از دید برخی نویسندگان این بخش بنیادین دسترسی به زنانگی است. دیگران آن را بر ساخت فرهنگی می دانند.

به این مسائل می توان حتی موارد بیشتری افزود: در طول زندگی یک زن چه بر سر مفهوم زنانگی می آید؟ آیا وقتی مادرانگی در طاققت فرساترین وجوه خود تحقق یافته و وقتی به دلایل مختلف محقق نشده، مفهوم زنانگی یکسان است؟ از آنجا که زیبایی ظاهری ارزشی فرهنگی برای زنان است، درباره فرتوتی ظاهری در میانسالی چه اتفاقی می افتد؟ این پرسش ها بر روابط ناگزیر میان زمان مندی و زنانگی دلالت دارند.

تمامی این پرسش ها نشان از مسائل پیچیده ای دارند که سعی شان روشن کردن و تعیین حدود پرسش های مورد بحث است. آنها به برساناندن نقاط ضعف نظریه فروید می پردازند. هنگامی که این نقاط ضعف را بررسی می کنیم، ناچار باید در باب منطق بنیادین و مبانی معرفتی مفاهیم فرویدی در مورد زنان و امر زنانه تأمل کنیم.

درباره برخی مباحثات که ذکرشان رفت، به گمان ما جنبه هایی از رشد روانی جنسی و والایشی زنان هیچ توضیح قانع کننده ای در نظریه فروید

ندارند. به رغم آن، باید یادآور شویم که گرچه فروید آناتومی را سرنویشت می‌داند، اما تصور او از عقدهٔ ادیپ (در معنای فرایندی که یک دختر برای دست یافتن به زنانگی باید طی کند) مؤلفه‌هایی در موافقت با این عقیده به دست می‌دهد که رشد روانی جنسی دختران از هرگونه تعیین بخشی طبیعت‌گرایانه بس دور است. از این رو، از یک سو فروید به ساخت مسیر تبیین‌گرانه‌ای برای دسترسی به جایگاه زنانه و رای آناتومی می‌پردازد، در حالی که از سوی دیگر، ادیپ زنانه به مسائل بی جواب در این چارچوب می‌انجامد. از این حیث طرح زنانگی اولیه و نظریه‌های جنسیت، هر دو دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این موضوع دارند.

ما به این نیز اشاره می‌کنیم که فروید از رهگذر ارتباط خود با بیماران هیستریکس گوش شنوای سابقا ناشناخته‌ای برای مشکلات زنان می‌شود. کشف مرحلهٔ [پیشا] ادیپی توسط او نیز ایده‌های جالبی دربارهٔ روابط اولیهٔ مادر و دختر در بن بسیاری از مشکلات زندگی یک زن عرضه می‌کند، مادامی که این امر تلاشی برای کوچک شمردن زنان تعبیر نشود.

فروید بارها متهم به فالوس‌محوری^۱ شد و این حقیقت دارد که نظریه‌های او در مورد رشد روانی جنسی دختران حول محور رشک قضیب و جانشینی‌های نمادین آن می‌چرخد که در بهترین حالت به مادرانگی منتهی می‌شود و در نهایت جانشینی برای فقدان سرشتی است. قطبیت فالوسی‌اخته چونان یک نظریهٔ جنسی دوران کودکی دربارهٔ تفاوت جنسی، تلویحاً به کل نظریه گسترش یافته و با قطبیت مردانه زنانه مترادف شده و امر زنانه بر حسب اختگی تفسیر می‌شود. از این رو، فروید نظریه‌ای جنسیتی بر بنیان دوگانگی فالوسی‌اخته را بیان می‌کند.